



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ



راهبری شرکتی

Corporate Governance

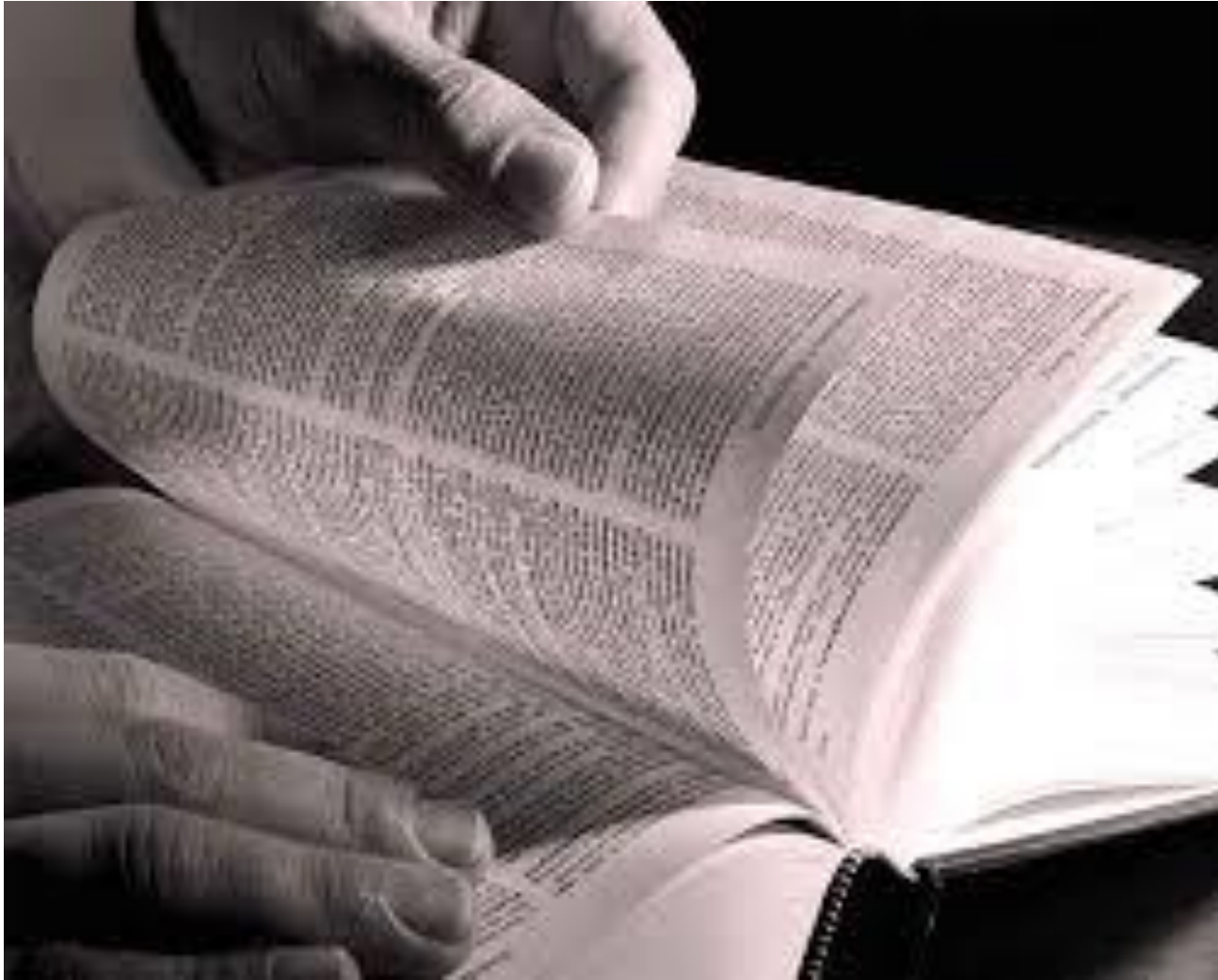
مقدمه ای از راهبری شرکتی

اصطلاح "Governance" از ریشه واژه لاتین "Gubernare" برگرفته شده است که به معنای هدایت کردن است و قبل از آن برای هدایت کردن کشتی به کار می رفته است. برگردان واژه "Corporate Governance" به فارسی معادل هایی نظیر حاکمیت شرکتی، حاکمیت سهامی، اداره سازمانی و راهبری شرکتی داشته است که ما از واژه اخیر یعنی "راهبری شرکتی" استفاده می شود.

تعاریف ارائه شده برای راهبری شرکتی متنوع است. عمده ترین عامل **متمایز** کننده این تعاریف را می توان **پهنه یا گستره شمول** راهبری شرکتی دانست.

از یک منظر می توان این نظام را **رابطه "مدیران" با "سهامداران"** دانست. در آن سوی این طیف و در نگرشی وسیع، راهبری شرکتی **رابطه شرکت با تمام ذینفعان** خود را بر می گیرد. (حساس یگانه،

در جستجوی تعاریف راهبری شرکتی



تعاریف راهبری شرکتی

تعاریفی که ذیلاً ارائه میشود گزیده ای از نگرشهای مختلف به حاکمیت شرکتی را نشان میدهد. (حساس یگانه، 1385)

راهبری شرکتی سیستمی است که **شرکت ها را هدایت و کنترل** می کند. تمرکز اصلی بر ایفای وظیفه مدیران ارشد سازمانی در **رعایت اصول شفافیت، درستکاری و پاسخگویی** است. (گزارش کادبری ۱۹۹۲)

راهبری شرکتی، **فرآیند نظارت و کنترل عملکرد مدیران** شرکت است به گونه ای که **متضمن منافع سهامداران** باشد. " (پارکینسون، ۱۹۹۴)

"هدف بنیادی در راهبری شرکتی **افزایش ثروت سهامداران** در بلند مدت است، به گونه ای که منافع سایر ذینفعان نیز رعایت گردد. " (بورس اوراق بهادار هندوستان، ۲۰۰۰)

"راهبری شرکتی شامل مجموعه **روابط بین مدیران اجرایی، اعضای هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان** شرکت است. همچنین ساختاری برای تدوین اهداف شرکت و راه های دستیابی به اهداف و نیز چگونگی ارزیابی و نظارت بر عملکرد را شامل می شود. " (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴)

تعاریف راهبری شرکتی

"راهبری شرکتی، رابطه بین سهامداران و شرکت است و سیستمی است که سهامداران به کمک آن، **مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می کنند.**" (کتابچه راهبری شرکتی بریتانیا، ۱۹۹۶)

"راهبری شرکتی در تعریف محدود، **رابطه شرکت با سهامدارانش و در تعریف گسترده رابطه شرکت با اجتماع است.**" (فاینانشال تایمز، ۱۹۹۹)

بررسی تعاریف متعدد از حاکمیت شرکتی نشان می دهد که **مسئولیت پاسخگویی جوهره وجودی حاکمیت شرکتی بوده، هدف نهایی آن دستیابی به چهار ویژگی مسئولیت پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی نفعان است.** در حقیقت، می توان گفت که **مسئولیت پاسخگویی، شاه بیت هد فهای حاکمیت شرکتی است.** (حساس یگانه ۱۳۸۵).

راهبری شرکتی، سیستمی است که با آن شرکتها **هدایت و کنترل** می شوند.

تعاریف دیگر از راهبری شرکتی



تعاریف دیگری از مفهوم حاکمیت شرکتی:

۱. حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت‌گیری و عملکرد شرکت. گروه‌های اصلی عبارتند از: **سهامداران، مدیر عامل و هیأت مدیره، سایر گروه‌ها شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع.**

۲. سیستم حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روش‌هایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند **شرکت‌ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند.**

۳. حاکمیت شرکتی مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت بنگاه اقتصادی، **نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذینفعان شرکت می‌باشد.**

تعاریف محدود و گسترده از راهبری شرکتی

همانطور که مشاهده شد ، هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی در سطح جامعه حرفه‌ای وجود ندارد و مطابق با **کشوری** که در نظر می‌گیریم، **تفاوت‌های چشمگیری در این تعریف** به چشم می‌خورد. **حتی** در کشورهای توسعه‌یافته‌ای همانند **کشورهای امریکا یا انگلیس** نیز رسیدن به یک تعریف واحد، کار آسانی نیست.

در دیدگاه‌های **محدود**، حاکمیت شرکتی به **رابطه شرکت و سهامداران** محدود می‌شود که این الگوی قدیمی حاکمیت شرکتی است که در قالب تئوری حسابداری به عنوان نمایندگی مطرح می‌شود.

در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به **صورت یک شبکه از روابط دید** که نه تنها بین شرکت‌ها و مالکان آنها (سهامداران)، بلکه بین یک شرکت و عده زیادی از ذینفعان از جمله: **دولت ، کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ...** وجود دارند. چنین دیدگاهی در قالب "تئوری ذینفعان" دیده می‌شود.

ویژگی مشترک در تعاریف راهبری شرکتی به نام پاسخگویی

بطور کلی تعاریف حاکمیت شرکتی در متون علمی دارای **ویژگی‌های مشترک** و معینی هستند که یکی از آن‌ها "**پاسخگویی**" است. تعاریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق **سهامداران اقلیت** می‌باشند (پارکینسون ۱۹۹۴ یا لاپرا و همکاران ۱۹۹۸).

و در تعاریف گسترده‌تر حاکمیت شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیع‌تری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تأکید دارند. این تعریف از مقبولیت بیشتری نزد صاحب‌نظران برخوردار است. تعاریف گسترده‌تر نشان می‌دهند که شرکت‌ها **در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند.**

ارتباط راهبری شرکتی با سایر تئوری های حسابداری

در ادبیات حاکمیت شرکتی به مقوله پاسخگویی از دو دیدگاه نگرینسته می شود که به نظر می رسد جامع تر است. پاسخگویی به ارائه گزارش ها مذکور ختم نمیشود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. (حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران)

دیدگاه اول – پاسخگویی محدود بر اساس تئوری نمایندگی

دیدگاه دوم – پاسخگویی گسترده بر اساس تئوری ذی نفعان

ارتباط راهبری شرکتی با سایر تئوری های حسابداری

دیدگاه اول – پاسخگویی محدود بر اساس تئوری نمایندگی

طرفداران این دیدگاه بر **تئوری نمایندگی** تمرکز داشته و بر این اساس کارگمار پاسخ خواه و کارگزار پاسخگو است. مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. جدایی مالکیت از مدیریت (کنترل) منجر به یک مشکل سازمانی مشهور به نام مشکل نمایندگی شد.

جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) مبانی تئوری نمایندگی را مطرح نمودند ایشان مدیران شرکت ها را به عنوان کارگزاران و سهامداران را به عنوان کارگمار تعریف کردند. به عبارت دیگر تصمیم گیری روزمره شرکت به مدیران که کارگزاران سهامداران هستند، تفویض می شود. مشکلی که در اینجا پیش می آید آن است که کارگزاران لزوماً به نفع کارگمار تصمیم گیری نمی کنند.

یکی از فرضیات اصلی تئوری نمایندگی این است که کارگمار و کارگمار هم **تضاد منافع** دارند.

ارتباط راهبری شرکتی با سایر تئوری های حسابداری

در تئوری های مالی یک فرض اساسی این است که هدف اولیه شرکت ها افزایش ثروت سهامداران است ، لکن در عمل همواره این گونه نیست . این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود ، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را تعقیب کنند . مدیران احتمالا به افزایش منفعت شخصی تمایل دارند (خطر اخلاقی) .

این امر منجر به تمرکز و سرمایه گذاری آنها بر طرحهایی می شود منافع کوتاه مدت دارند (بویژه در مواردی که حقوق ، مزایا و پاداش مدیران با سود مرتبط است) و توجهی به منافع بلند مدت سهامداران ندارند .

در شرکت های بزرگ که مستقیما توسط مدیران و به طور غیر مستقیم به کمک سرمایه گذاران نهادی کنترل می شوند ، مدیران در مورد منافع کوتاه مدت تحت فشارند که ممکن است به نفع سایر سهامداران نباشد . در این شرایط مدیران برای دستیابی به عایدی های متفرقه تحریک میشوند که باز هم منجر به کاهش ارزش منافع و رفاه سهامداران میشود .

ارتباط راهبری شرکتی با سایر تئوری های حسابداری

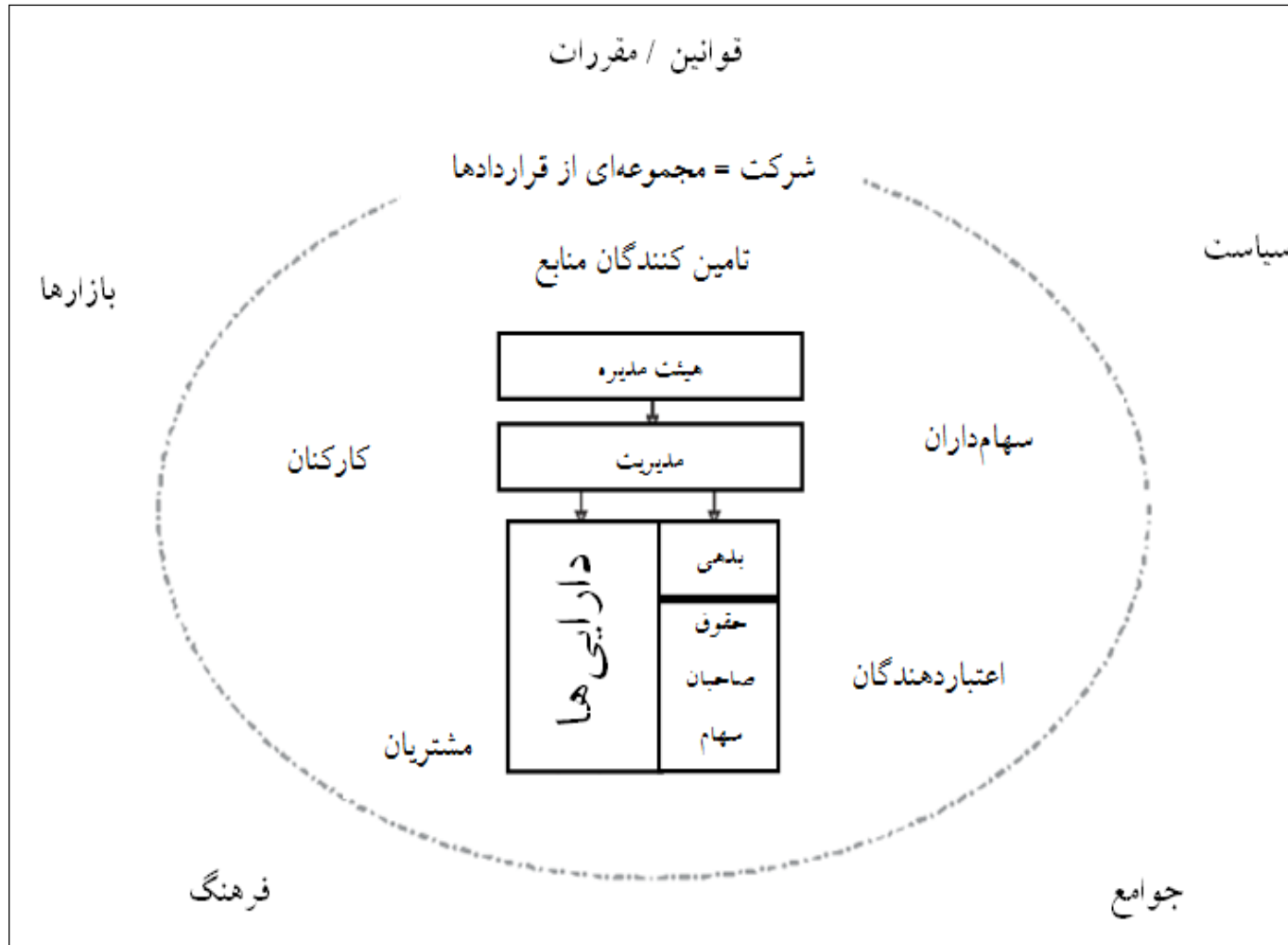
دیدگاه دوم – پاسخگویی گسترده بر اساس تئوری ذی نفعان

اساس تئوری ذی نفعان این است که شرکت ها بسیار بزرگ شده اند و تاثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که آنها باید به جز سهامداران به بخشهای بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند .

چند روش تعریف بر اساس رشته های مختلف برای تئوری ذی نفعان وجود دارد . وجه تشابه تمام آنها ، تایید دخالت آنها در یک رابطه مبادله ای (تعامل) است . پیریچ ۱۹۸۲ ، فری من ۱۹۸۴ ، هیل و جونز ۱۹۹۲ اعتقاد دارند نه تنها ذی نفعان تحت تاثیر شرکت ها هستند بلکه آنها نیز بر شرکت ها تاثیر می گذارند . ذی نفعان شامل ، سهامداران ، کارکنان ، فروشندگان ، مشتریان ؛ بستانکاران ، شرکت های مجاور و عموم مردم می باشند .

افراطی ترین حامیان تئوری ذی نفعان بر این باورند که محیط زیست، گونه های جانوری و نسل های آینده نیز باید در زمره ذی نفعان گنجانده شوند .

چشم‌انداز گسترده‌تری از شرکت و حاکمیت شرکتی



ذینفعان در راهبری شرکتی



ذینفعان **خارجی** شامل :

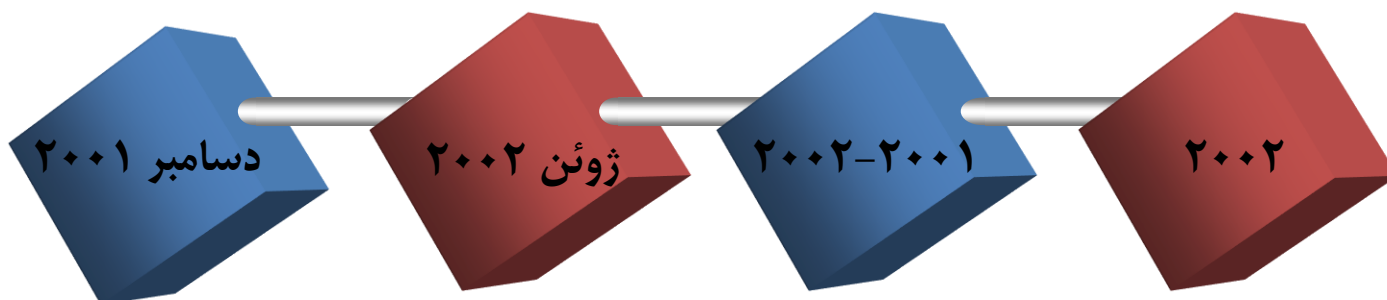
- ۱- دولت
- ۲- سهامداران
- ۳- مشتریان
- ۴- طلبکاران تجاری
- ۵- تأمین کنندگان
- ۶- بدهکاران تجاری
- ۷- جوامع تحت تأثیر فعالیت‌های شرکت است.
(مانند محیط زیست و گونه‌های جانوری و نسل‌های آینده و ...)

ذینفعان **داخلی** شامل:

- ۱- هیأت مدیره
- ۲- مدیران
- ۳- کارکنان

(پاکروان، لقمان، ۱۳۹۱)

فروپاشی بازار سرمایه در ایالات متحده و سایر نقاط جهان



دسامبر ۲۰۰۱

شرکت انرون: افشای گزارشات کذب در مورد سودآوری و عدم استفاده از روش‌های پذیرفته شده حسابداری / ضعف کنترل‌های داخلی و نظارت‌های خارج از شرکت

ژوئن ۲۰۰۲

شرکت ورلدکام: کاهش مصنوعی در هزینه‌ها برای سودآور جلوه دادن

۲۰۰۲-۲۰۰۱

رسوایی‌های ویوندی در فرانسه، اهلند در هلند، پارمالات در ایتالیا و آ.ب.ب در سوئیس و سوئد

۲۰۰۲

تصویب قانون ساربنز-اکسلی در کنگره ایالات متحده

اهداف راهبری شرکتی

۱. افزایش ارزش سهام سهامداران
۲. محافظت از منافع سهامداران و سایر ذینفعان شامل مشتریان، کارکنان و عموم جامعه
۳. اطمینان از شفافیت و یکپارچگی در تبادل اطلاعات و قابلیت دسترسی به اطلاعات کامل، صحیح و شفاف برای کلیه ذینفعان
۴. اطمینان از پاسخگویی راجع به عملکرد
۵. هدایت شرکت با بالاترین سطح استاندارد به منظور رقابت با دیگران

(جلالی، ۱۳۸۷، ص ۵)

اهداف حاکمیت شرکتی

- کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود و ارتقای شفافیت و پاسخگویی
- بهبود کارایی درازمدت سازمان، از طریق **جلوگیری** از خودکامگی و عدم مسوولیت پذیری مدیریت اجرایی

(کیسی، تامسون و رانت ۲۰۰۵)

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی

سهام‌داران و سایر ذینفعان



مدیریت شرکت

مکانیزم‌های کنترل داخلی:

- هیئت مدیره
- مدیریت اجرایی
- کنترل‌های داخلی (حسابداری مالی و ...)
- آیین رفتار حرفه‌ای

مکانیزم‌های کنترل خارجی:

- نظارت قانونی
- رژیم‌های حقوقی - ورشکستگی
- بازار کارای سرمایه
- سرمایه‌گذاران نهادی فعال
- حسابرسی مستقل
- موسسات رتبه‌بندی

نظارت

نظارت

اریک بنگز

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی مستقل

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.



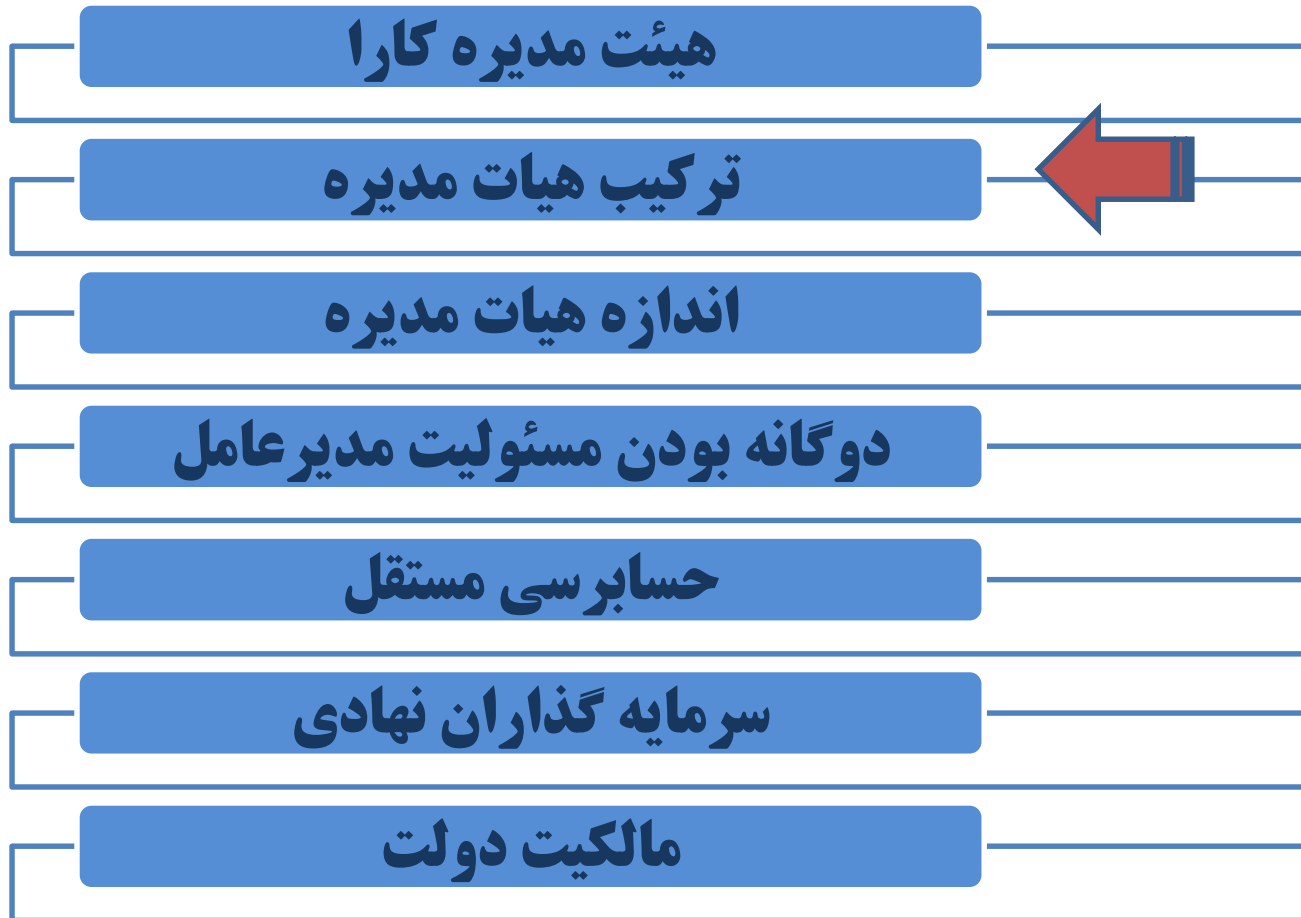
هیئت مدیره کارا

ساز و کارهای راهبری از اجزای مختلفی تشکیل شده است. هیات مدیره کارا یکی از این اجزاء می باشد.

هیات مدیره باید درباره تخصیص بهینه منابع شرکت، عملکرد آن و همچنین افزایش ثروت سهامداران پاسخگو باشند

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.



ترکیب هیئت مدیره (موظف و غیر موظف)

هیات مدیره مهم ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منابع سهامداران قلمداد می شود .

ترکیب هیات مدیره به عنوان نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل تعداد اعضای هیات مدیره نگرینسته می شود . هرچه ترکیب هیات مدیره از اعضای مستقل تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می گردد (هرمالین و ویسیج ، 1992)

برخلاف مدیران موظف، مدیران غیر موظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل می نماید . از این رو، از دیدگاه نظری، هنگامی که هیات مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیر موظف تشکیل شده باشد، عملکرد شرکت ارتقا می یابد (مد و دونالدسون ، 1998)

همچنین، هیئت مدیره های مستقل تر، در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع هستند، زیرا آنها به دلیل استقلالشان یک بینش وسیعتر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند .

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

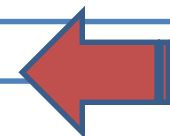
اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی مستقل

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت



اندازه هیئت مدیره

اندازه هیئت مدیره : اندازه هیئت مدیره ، عبارت از تعداد مدیران – اعم از موظف و غیر موظف – است که عضو هیئت مدیره هستند .

تئوری نمایندگی بیان می کند که بیشتر بودن تعداد اعضاء ، نقشی حیاتی در اتخاذ تصمیم های راهبردی شرکتها دارد .

همچنین با افزایش تعداد اعضاء ، احتمال کنترل مدیریت افزایش می یابد و

تجربه هیئت مدیره نیز بالا می رود (ماتوسی و چاکرون ، ۲۰۰۶)

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

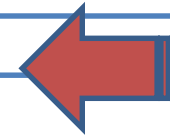
اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی مستقل

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت



دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره نیز باشد، در این حالت مدیرعامل به طور بالقوه اختیار بیشتری دارد. همچنین، ساختار دوگانه به مدیرعامل اجازه میدهد تا اطلاعات در دسترس اعضای دیگر هیأت مدیره را به طور مؤثری کنترل کند، بنابراین ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به عمل آورد.

نقش رئیس هیأت مدیره، نظارت بر مدیرعامل است. رئیس هیأت مدیره قدرت کنترل دستور جلسات و هدایت جلسات هیأت مدیره را دارد. اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران متفاوت باشد، در این صورت نفوذ مدیرعامل مشکل ساز می شود. (آقایی و همکاران ۱۳۸۸)

همچنین با حضور مدیرعامل در ترکیب هیأت مدیره، تهدید کمتری برای از دست دادن کار دارد و این دوگانگی وظایف سبب می شود، مدیر انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد که بر عملکرد شرکت اثر منفی می گذارد و زمینه تضييع حقوق ذی نفعان را در پی خواهد داشت. (مینک و

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

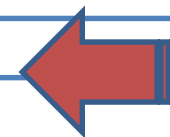
اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی داخلی

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت



حسابرسی داخلی

حسابرسی به عنوان یک فعالیت بی طرفانه و شهادت دهی تعریف شده است که به دنبال افزایش اثربخشی عملیات سازمان و فرآیندهای کنترل، راهبری و مدیریت ریسک است.

حسابرسان داخلی بخش جدانشدنی از راهبری شرکتی هستند و تخصص آنها در کنترل های داخلی نقش عمده ای در اطمینان بخشی از درستی و قابلیت اتکای صورت های مالی ایفا می کند.

نقش حسابرسان داخلی در ارزیابی و بهبود فعالیت های مدیریت به گونه ای گسترش یافته است که آنها به عنوان متخصصانی عمل می کنند که به طور مستمر بر فرآیند گزارشگری مالی و

کنترل های داخلی نظارت دارند . (سلیمانی ، غلامرضا . مقدسی ، مینا ، ۱۳۹۳)

حسابرسی داخلی

فعالیت های حسابرسان داخلی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- **ارزیابی عملکرد؛**

۲- **حصول اطمینان از کفایت و اثربخشی سیستم کنترل داخلی؛**

۳- **بررسی فرآیند گزارشگری مالی برای حصول اطمینان از کیفیت و درستی ایجاد اطلاعات مالی قابل اتکا، مربوط، مفید و شفاف برای تصمیم گیری؛**

۳- **پیشگیری، کشف و اصلاح مواردی که بر کیفیت و درستی گزارشها به ویژه صورت های مالی تاثیرگذار است؛**

۵- **حصول اطمینان از مسؤلیت پذیری در راهبری شرکتی .**

فرآیند راهبری شرکتی بر حفظ و توسعه کفایت حسابرسی داخلی اثربخش برای حفاظت از داراییها در برابر آسیب یا سرقت تاکید می کند. در این راستا، راهبری شرکتی ساز و کاری برای نظارت بر فعالیت ها، سیاست

ها و تصمیمات مدیریت برای دستیابی به اهداف تجاری شرکت است. (سلیمانی، غلامرضا . مقدسی، مینا ، ۱۳۹۳)

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

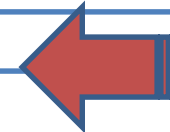
اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی مستقل

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت



سرمایه گذاران نهادی

مطابق ادبیات موجود مالکیت نهادی به صورت مجموع در صد سهام شرکت که متعلق به بانک ها، بیمه ها، نهاد های مالی، شرکتهای هلدینگ، سازمانها و نهاد ها و شرکت های دولتی تعریف می شود.

دل گئوسیو و هاوکینز ۱۹۹۹ شواهدی یافتند که بر اساس آن شرکت های نظارت شونده از طریق سرمایه گذاران نهادی می توانند رفتار مدیران را محدود نمایند .

سرمایه گذاران نهادی فرصت، منابع و توانایی نظارت، و تاثیر بر مدیران دارند لذا نظارت بر شرکت ها از طریق سرمایه گذاران نهادی می تواند مدیریت را بر توجه بیشتر بر عملکرد شرکت و توجه کمتر به رفتار فرصت طلبانه یا خدمت به خود وادار کند . ییابانی ، شاعر . رضی کاظمی ، ستاره (صفرا).

سازو کارهای راهبری شرکتی

نظام حاکمیت شرکتی بر حسب نوع سیستم مدیریت و محیط قانونی که شرکت در آن محیط فعالیت می کند از سازو کارهای مختلفی برخوردار است.

هیئت مدیره کارا

ترکیب هیات مدیره

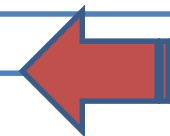
اندازه هیات مدیره

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل

حسابرسی مستقل

سرمایه گذاران نهادی

مالکیت دولت



مالکیت دولتی

به طور کلی سرمایه گذاران در بورس به دو دسته سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و شبه دولتی مانند بانک ها، بیمه تأمین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی و... تشکیل می دهند.

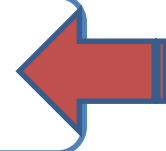
دولت در مقام اصلی ترین حامی اقتصاد، همواره نقش مهمی در هر کشور ایفا می کند. دولت ها به دلیل در اختیار گرفتن قدرت تصمیم گیری شرکت ها و پیاده کردن سیاست های کلان خود، همواره سرمایه گذار بزرگ کشورهای در حال توسعه و به خصوص ایران شمرده می شوند. سیستم گزارشگری و حسابداری شرکت ها که متأثر از حاکمیت شرکتی آنهاست، تحت تأثیر نوع مالکیت شرکت قرار می گیرد (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸)

چنانکه سازمان های دولتی و شبه دولتی در شرکتی سرمایه گذاری شایان توجهی انجام دهند، نفوذ چشمگیر یا حتی کنترل آن شرکت را به دست می آورند، در این صورت انتظار می رود در ارائه اطلاعات به موقع و قابل اتکا، منافع ذی نفعان (از جمله دولت) بهتر بر آورده شود.

انواع سیستم های راهبری شرکتی

سیستم های حاکمیت شرکتی به دو دسته تقسیم می شوند :

سیستم های درون سازمانی



سیستم های برون سازمانی

انواع سیستم های راهبری شرکتی

سیستم های درون سازمانی

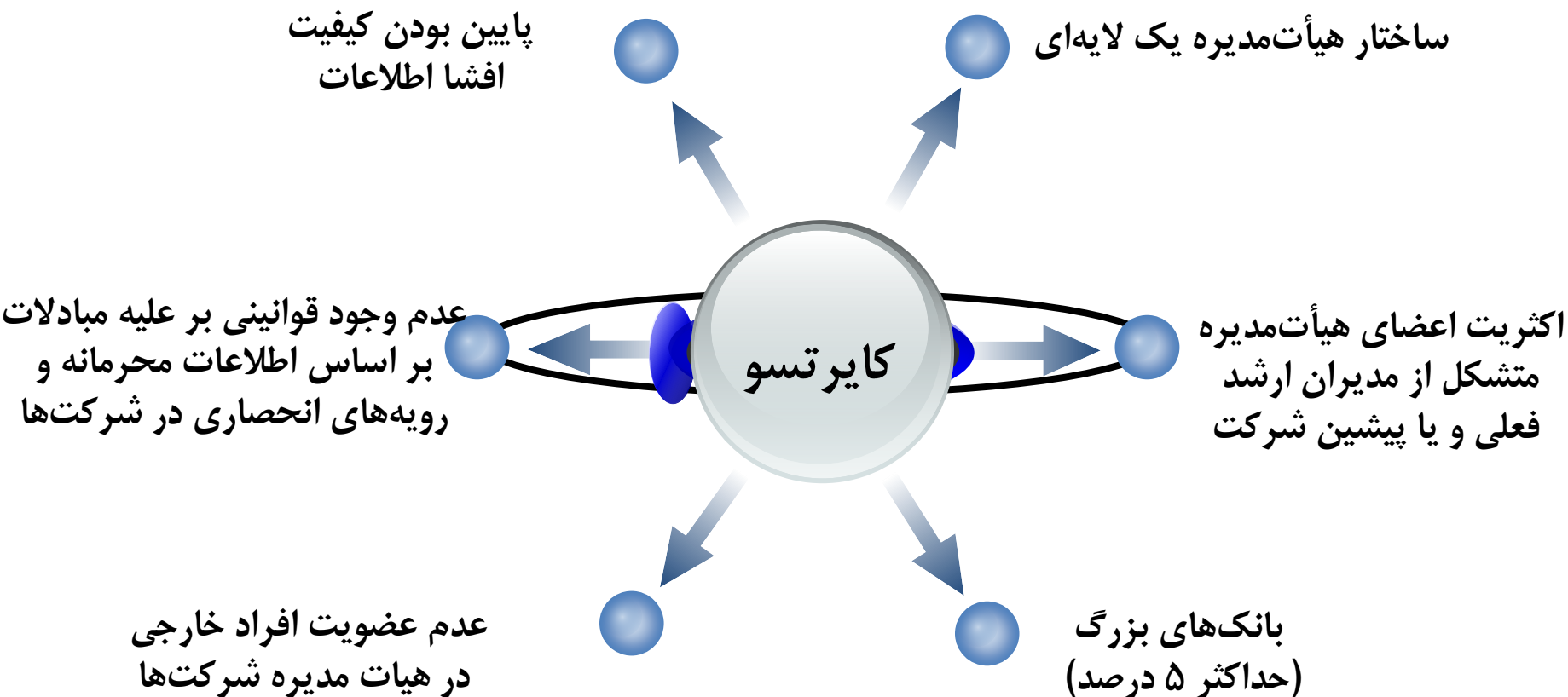
سیستم حاکمیت درون سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت های فهرست بندی شده کشور، تحت مالکیت و کنترل **تعداد کمی از سهامداران** اصلی هستند. آنها ممکن است اعضای خانواده مؤسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانکهای اعتبار دهنده، شرکتهای دیگر یا دولت باشند.

به سیستمهای درون سازمانی، به دلیل روابط نزدیک رایج بین شرکتهای و سهامداران عمده آنها، **سیستمهای رابطه ای** نیز گفته می شود.

کشورهای نظیر آلمان و ژاپن به این نظام نزدیکترند. رابطه تنگاتنگ مالکین و مدیران باعث کاهش هزینه

های نمایندگی (Agency cost) می شود. (احمد بدری، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران)

راهبری شرکتی در ژاپن



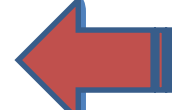
کایرتسو شبکه‌هایی از شرکتها که فعالیتهای تجاری مرتبط و سهامداران مشترک دارند.

انواع سیستم های راهبری شرکتی

سیستم های حاکمیت شرکتی به دو دسته تقسیم می شوند :

سیستم های درون سازمانی

سیستم های برون سازمانی



انواع سیستم های راهبری شرکتی

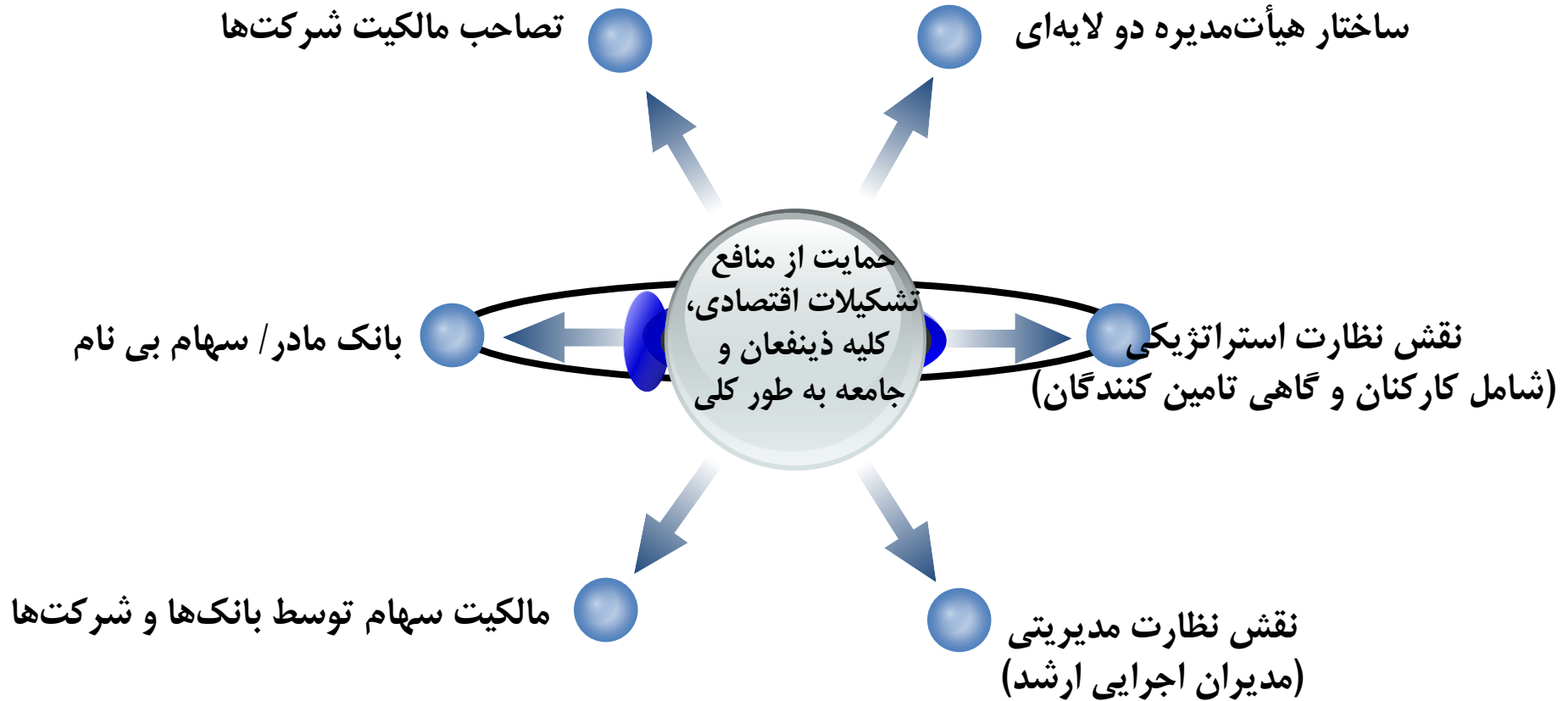
سیستم های برون سازمانی

عبارت برون سازمانی، اشاره به سیستمهای تأمین مالی و حاکمیت شرکتی دارد. در این سیستم، شرکت های بزرگ توسط مدیران کنترل می شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی هستند.

این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از مدیریت می شود. اگر چه در سیستمهای برون سازمانی، شرکتها مستقیماً توسط مدیران کنترل می شوند، اما به طور غیر مستقیم نیز تحت کنترل اعضاء برون سازمانی قرار دارند.

این شرکتها در آمریکا و انگستان پرتعدادند. این سیستم به نامهای آنگلو ساکسون یا آنگلو آمریکن نیز مشهور است. (بدری احمد، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران)

راهبری شرکتی در آلمان



مشخصات سیستم های درون سازمانی و برون سازمانی راهبری شرکتی

برون سازمانی	درون سازمانی (رابطه ای)
شرکتهای بزرگ تحت کنترل مدیران اما تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی هستند.	شرکتهای تحت مالکیت سهامداران درون سازمانی است که همچنین بر مدیران نیز کنترل دارند.
سیستمی دارای مشخصه تفکیک مالکیت و کنترل (مدیریت) که موجب مشکلات نمایندگی با اهمیت می شود.	سیستمی با مشخصات عدم تفکیک مالکیت و کنترل (مدیریت) به طوری که مشکلات نمایندگی به ندرت در آن دیده می شود.
تصاحب خصمانه به عنوان یک ساز و کار انضباطی برای مدیر شرکت وجود دارد.	عملکرد تصاحب خصمانه به ندرت دیده می شود.
مالکیت پراکنده است.	تمرکز مالکیت در گروه کوچکی از سهامداران (اعضای مؤسس، شرکت مادر، مالکیت دولتی)
کنترل توسط گروه کثیری از سهامداران	کنترل بیش از حد توسط گروه کوچکی از سهامداران درون سازمانی
عدم انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع نمی شود.	انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع می شود.
امکان دموکراسی بین سهامداران	احتمال سوء استفاده از قدرت توسط سهامداران اکثریت
از طریق سهامداری نمی توان اعمال نفوذ در شرکتهای سرمایه پذیر کرد.	سهامداران عمده می خواهند نفوذ بیشتری در شرکتهای سرمایه پذیر داشته باشند.

خلاصه

همانطور که ملاحظه شد تعاریف متفاوتی از راهبری شرکتی بیان گردید که ناشی از تفاوت دیدگاه ها می باشد .

اما آنچه مسلم است در راهبری شرکتی **پاسخگویی به ذینفعانی** مانند دولت، سهامداران، مشتریان، طلبکاران تجاری، تأمین کنندگان، بدهکاران تجاری ، جوامع تحت تأثیر فعالیت های شرکت (مانند محیط زیست و ...) هیأت مدیره ، مدیران ، کارکنان از اهداف اصلی راهبری شرکتی محسوب می شود .

همچنین ساز و کارها و شاخص هایی که حاکمیت شرکتی با آنها سنجید می شوند **هیئت مدیره کارا** ، **ترکیب هیات مدیره** ، **اندازه هیات مدیره** ، **دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل** ، **حسابرسی مستقل** ، **سرمایه گذاران نهادی** می باشند .